این کتاب امانت آقای شیخ حسین
معتمدی است نزد حقیر
با ایشان رد
البته

۱

نسخه حاضر که الطوائف این رساله لطائف غیاثیه است که کتاب اسرار التنزیل منسوب به فخر رازی نیست ... تمام شده الله
فوت شد ... خطبه آن ...
و این کتاب شرح آن در ص ۵۷
... ذکور ... اصل ...
و شرح ... اسلوب یکی ...
خطبه با اسرار التنزیل فرقی دارد

عکس و فیلم تهیه شد
آستان قدس
کتابخانه آستان قدس
۵۵/۱۱/۲۸

اسم کتاب	اسرار التنزیل — لطائف الغیاثیه — فارسی
مصنف	فخر رازی
مؤلف	
خطی	خط نسخ ۱۵ سطری
چاپی	
سال چاپ یا تحریر	
عدد اوراق	۱۶۱ برگ
جزء کتب	حکمت
شماره	
شمارهٔ عمومی	۹۰۶۳
شمارهٔ قبض	
واقف	خریداری آستان قدس
تاریخ وقف	دی ۱۳۴۱
طول	۲۰
عرض	۱۲
گنجه	

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
وارد شد

(۱)

این نسخه شریفه به اذن متولی نزد حقیر امانت است
مورخه ۲۲ ذیقعده ۱۳۵۰
بعد از مطالعه به پدرم بدهم
الاحقر شیخ حسین

لطايف الغياثي تصنيف
العلامة الاعظم المفتخر
المعظم علامة العلماء
العالم فخر الملة
والدين محمد بن
عمر بن الحسين
الرازي

هذا الكتاب من مملكات اقل السادات
والطلاب محمد ابن [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بی حد و ثنای بی نهایت، و مدح بی عد و ثنای بی غایت

حضرت مجد آن خدائی را که واجب الوجود جز ذات

او را ممکن نیست و امکان حقیقی بر ذات او ممتنع نه، کنه

حقیقت او از نقصان امکان بی نشان نیست، و فیض فضل

او بر کل ممکنات بی پایان، قابل سمات اضداد نیست تا جوهر

باشد منعوت با امتدادات و ابعاد نه تا جسم بود محتاج

بمحال و موضوعات نه تا از قبیل صور و اعراض باشد طالب

جر منفعت و دفع مضرت نه تا فاعلیت او برای علل و اغراض

باشد مستعد مساوات و مفاوت نه تا فرد از جنس کیف

بود و ماهیت او بغیر متعلق نه تا از باب نسب و اضافات

بود تا محل حاجات باشد ذات او از تهمت بعضیت و قسمت

مبرا صفات او از مناسبت کثرت و غیریت معرا افعال

او از سبق مادت و مدت و حاجت با آلت و عدت منزه

جباری و جهانداری او از ضد و ند مقدس لیس کمثله

کتابخانه آستان قدس

شیء سلبی است لازم جلال او، ولا یحیطون بشیء من علمه

تنزیهیست مقارن کمال او، لا یسئل عما یفعل توقیعیست

بر منشور افعال او، دیده عقل در مطالعه انوار جلال او

خیره، صفا صفوت صدیقان در مشارع کمال او تیره،

کمال تعالی صمدیت او در هیکل خیال نگنجد، جلال عز

احدیت او را مقیاس قیاس بر نسنجد، چون در هستی بر همه

هستیها سابق است، هو الاول نعت ازلیت اوست چون

هستی او بعد از نیستی همه هستیها واجب است، هو الآخر

صفت سرمدیت اوست، چون احاد کائنات و افراد ممکنات

همه دلیل فردانیت او اند، هو الظاهر لا نعم ظهور نور او بر همه

اوست، و چون ادراک عقول و افکار و انظار از احاطت

کنه هویت بی نهایت او قاصر است، هو الباطن نعت عظمت

و جباری اوست و حاصل کار صدیقان و [illegible] جز

این نباید که سبحان ربک رب العزة عما یصفون، و سلام

علی المرسلین والحمد لله رب العالمین، و صلوات بی پایان

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

بازبینی شد ۱۳۲۱ ش

یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربك راضیة مرضیة
فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی واین ترتیب عجیب و
تالیف غریب در انتقال از جسمانیات جز بتدبیر مدبر
حکیم و تقدیر خالق رحیم ممکن نباشد اینست شمهٔ از
دلائل هستی آفریدگار عالم تعالی و تقدس و بدانك استقصا
کردن درین باب مقدور بشر نیست زیرا که هیچ موجودی
نیست در عالم ارواح و اجسام و عالم علوی و سفلی الا
که آن موجود از راه صفات و هم از راه ذات دلیلی باهر
و برهانی ظاهر بر کمال کبریاء حضرت الهیت و بر تعالی
صمدیت او چنانك فرمود وان من شیء الا یسبح بحمده
ولکن لا یفقهون تسبیحهم لکن چون مرد عاقل درین که نوشته
شد تفکر کند او را نمودار حاصل شود و تواند که بمدد
توفیق در بقیت دلایل تفکر کند و بالله التوفیق